

# بررسی کتیبه‌های

## محرابه‌های گچی در

### موزه ملی ایران

منصور آبیاری

سراسر زیبایی، ارزش و رشد هنرهای تزئینی در خانه‌های خدا بر می‌خوریم که همانا برپائی و تزئین محراب با نقش و نگارها و خطوط زیبایی مرسوم هر دوره بوده است.

در شکل‌گیری، تکامل و تداوم هنر اسلامی، سهم ایرانیان نسبت به هنرمندان دیگر حوزه‌های هنر اسلامی چون بین‌النهرین، سوریه و مصر از همه چشمگیرتر بود. این امر از زمانی امکان‌پذیر شد که مرکزیت سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام از سال ۱۳۲ هـ.ق از سرزمین شام به شهر تازه تأسیس بغداد که در کنار تیسفون قرار داشت انتقال یافت.<sup>(۱)</sup>

مسجد اصولاً بر محوری نامرئی بنا شده است و قبله در آن نشانی است که جهت اتصال این محور نامرئی با کعبه را نشان می‌دهد. رایج‌ترین نشانه قبله که به معماری مربوط می‌شود محراب است و مهمترین مشخصه آن دری است جهت نما، گشاده به سوی انوار ملکوتی که از جانب کعبه ارسال می‌گردد و این گشادگی یا پس‌گرفتنی درون دیوار تصویر شده است.

#### فلسفه محراب

یکی از محققین منشأ محراب را مهرابه‌های معابد مهری ذکر کرده است. محراب را هم چنین معرب کلمه مهراب دانسته‌اند. معبد میتراثیان را نیز، مهرابه خوانده‌اند. این کلمه از دو بخش مهر

مسجد میعادگاهی است که به عنوان محل سجود، عبادت، فروتنی، تقوی و ایجاد ارتباط با خالق هستی و اظهار بندگی در پیشگاه حضرتش، همواره در فرهنگ مقدس اسلامی از عظمت و قداست خاصی برخوردار بوده است.

معماران و همه دست‌اندرکارانی که به نحوی در طراحی و ساخت این بنای مقدس نقش داشته‌اند، همیشه از سر اخلاص و رضای خداوند، تلاش خود را با نهایت تقوی الهی در ساختمان مساجد بکار برده و با خلوص نیت با استفاده از توان، ایمان و استعداد خود، بنای مساجد را ملامال از هنر و ابتکار کرده‌اند.

مسجد خانه خدا و مردمی‌ترین پایگاه بندگان صالح خداست، که در طول قرن‌ها به عنوان مدرسه تزکیه و تعلیم دانش، عرصه رشد و تعالی انسانهای خداجو بوده است. مساجد به خاطر عظمت والای روح معماران و طراحان شایسته، به مکانی تبدیل شده که سرچشمه هدایت و ایمان است و هر جزئی از اجزاء تشکیل دهنده آن نماد یکی از اسماء الهی و دارای معنای روحانی می‌باشد. خطاطی آیات قرآنی، رنگ، اشکال متنوع هندسی فضا، نور، گنبد، چنبره زیر گنبد، شبستان، منار، منبر، وضوخانه، محراب و مصالح و مواد ساختمانی همیشه در برگرفته از اصول سنتی اسلام و دارای معنای سمبولیک می‌باشند.

معماری مساجد در طول قرون متمادی همگام با رشد هنرهای تزئینی اسلامی ادامه حیات داده و شکی نیست که در تعریف ارزش‌ها و مبانی پربر معماری اسلامی هرگز نمی‌توان سهم والا و پربر هنر تزئینی را نادیده گرفت. این مهم بویژه از قرن چهارم هجری به بعد بیشتر ملحوظ است و در این رابطه به جلودای

(۱) ویلسون، اوا، طرحهای اسلامی، ترجمه محمد رضا ریاضی، انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها)، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴

و آبه تشکیل شده است. برای مفهوم قسمت دوم این کلمه یعنی آبه معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند از جمله غارهایی که به عنوان مراکز عبادت مورد استفاده قرار می‌گرفت. اصولاً قبل از ظهور اسلام، مهربا را به عنوان یک پرستشگاه مورد استفاده قرار می‌دادند و این می‌تواند وجه اشتراکی با محراب مساجد در دوره اسلامی داشته باشد.<sup>(۲)</sup>

برای دریافت مظهریت محراب در آداب و نیایش اسلامی باید ریشه آن را در قرآن کریم یافت. این واژه به تنهایی، به مفهوم "پناهگاه" است. قرآن مجید بویژه این واژه را در توصیف نهانگاهی در معبد اورشلیم آورده است که در آن مریم عذرا برای انزوا گرفتن به دعا در آمد و فرشتگان به او روزی می‌رسانیدند. بعضی از مفسران اسلامی آن را با قدس‌الاقدس معبد اورشلیم برابر دانسته‌اند و این تفسیر که با شرایع آئین یهود درباره دستیابی به دبیر سازگار نیست در واقع با سنت آثار مشایخ آبابی کلیسائی و آداب دینی کلیسای ارتدکس یونانی می‌خواند.<sup>(۳)</sup>

رو به سوی یک قبله واحد داشتن همه نمازگزاران، زمانی، کاملاً برجسته و چشمگیر نمودار می‌شود که مؤمنان در جوار کعبه در نماز و رکوع و سجود آیند که این منظره نمایشگر وحدت اسلامی است. چنین می‌نماید که آداب عبادی اسلامی، پیوندی با کعبه دارد. این پیوند دارای دو جنبه متفاوت و مکمل هم که یکی ثابت و دیگری متحرک است.

نخستین جنبه نمودار آن است که همه جای زمین مستقیماً با مرکز مکه پیوندی دارد از این روست که پیامبر بزرگوار اسلام فرموده‌اند که خداوند امت مرا با بخشیدن سراسر گیتی همچون محرابی متبرک ساخته است. مرکز این محراب یگانه، همانا کعبه است و مؤمنی که در محراب جهان نماز می‌گزارد در آن لحظه چنین می‌انگارد که همه فاصله‌ها از میان رفتند. جنبه دوم که سرشتی متحرک دارد در زیارت جلوه گر می‌شود که هر مؤمنی ملزم است دست کم یکبار در عمر در صورت توانایی به زیارت خانه خدا برود.<sup>(۴)</sup>

## تاریخچه و معماری محراب

مورخان هنر بر آن هستند که محراب به شکل اولیه «طاقچه یا فرورفتگی در دیوار» در زمان ولید بن عبدالملک خلیفه اموی به ویژه هنگامیکه آن خلیفه به کار تجدید ساختمان مسجد النبی در مدینه دست برد، به معماری مسجد راه یافت، اما بسیار محتمل

است که طاقچه جایگزین شکلی شده باشد بسیار ساده‌تر همچون در ماندی که در مساجد ابتدائی جهت مکه را نشان می‌داد. در صورتیکه در محراب در غار صخره قبه‌الصخره در اورشلیم به سالهایی باز می‌گردد که این جایگاه مقدس بنا شده بود (۷۲ تا ۷۳ هـ) خود مثالی دیگر می‌تواند از این پدیده باشد.<sup>(۵)</sup>

در مسجد النبی در مدینه بنا بر بعضی از اسناد گویا یک نشانی ساده‌تر برای نمودار ساختن قبله وجود داشته است که عبارت بود از صفحه‌ای از سنگ که جایگاه ایستادن پیامبر اکرم را به نماز جماعت نشان می‌دهد.

می‌توان گفت محراب مساجد صدر اسلام در عربستان و مصر و عراق و بیت المقدس بر طبق مدل محراب مسجد پیامبر از زمانی که محراب آن به شکل مجوف تبدیل شده ساخته شدند در ایران نیز بر اساس محرابهایی که باقیمانده و از کاوشها بدست آمده همگی بیانگر این نکته هستند که محرابهای ایران نیز بر طبق محراب مسجد پیامبر مجوف ساخته شده‌اند.<sup>(۶)</sup>

نمونه اولیه محراب را به سالهای ۸۶ هـ ق نسبت می‌دهند که در بندسازی مسجد النبی (ص) توسط عبدالملک خلیفه اموی در مدینه در جهت قبله تعبیه گردید و آن نشان خود قبله شد<sup>۷</sup> بر اساس روایات تاریخی محراب در سال ۵۰ هجری شکل مجوف طاقنمائی را به خود گرفته است و این شکل طاقنما که دارای طاق هلالی شکل بوده مورد پذیرش عموم مسلمانان واقع شده است. این فرم با اندکی تغییر نیز مورد پذیرش ایرانیان قرار گرفته، که به شکل طاقچه مستطیل شکل با طاق هلالی مازد دار که طاق مرسوم در معماری ایرانیان بوده بکار رفته است. در نیمه دوم قرن سوم طاقنمای محراب به دو طاقنمای بر رویهم بدل

(۲) سجادی، علی، سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، جلد اول ص ۳۹

(۳) بورکهارت، تیتوس، هنر اسلامی (زمان و بیان) ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۶۵ - ص ۹۸-۹۷

(۴) بورکهارت، تیتوس، هنر اسلامی (زمان و بیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش چاپ اول ۱۳۶۵ ص ۱۸

(۵) همان مأخذ، ص ۹۸

(۶) سجادی، علی، سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، جلد ۱ - ص ۶۶

(۷) دوپولو، باپا، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزینی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، سال ۱۳۶۸، ص ۲۲.

گردید و به جای دو ستون چهارستون در دو طرف طاقها تعبیه شده. (۱)

از کهن‌ترین محرابهای مساجد جهان اسلام می‌توان به محراب مسجد جامع قیروان (قیروان تونس) به تاریخ ساخت ۲۴۸ تا ۲۴۹ هجری قمری اشاره کرد. شکل یک فرورفتگی مقعر کامل دارد که در دو سوی آن ستونی است برای تکیه‌گاه یک طاق برآمده از دیوار. این طاق و دیوارهای پیرامون آن با کاشی پر نقش و لعابی درخشان همچون فلز صیقل شده، آرایش شده است.

## نوع و تزئینات محراب

محرابها در دوران اسلامی از نظر نقش و نگار و تکنیک ساخت و... اغلب از دوران ساسانی الهام گرفته و بیشتر طرحهای آن در دوره اسلامی نیز تکرار گردیده‌اند. در این بین می‌توان به نقوشی مانند نقش پرنده، برگهای مو، خوشه‌های انگور و غیره اشاره نمود.

نقوش مذکور نسبت به دوره ساسانی مقداری ماهرانه و استادانه‌تر کار شده است. علاوه بر نقوش فوق، نقوش اسلیمی و نیز طرحهای هندسی نیز زینت بخش محرابها در دوران اسلامی شدند. چون هدف ما در این نگارش کتیبه نگاری محرابها می‌باشد لذا فقط به آن پرداخته می‌شود.

و فور کتیبه‌های قرآنی بر دیوار مساجد و ابنیه مذهبی دیگر یادآور این واقعیت است که زندگی اسلامی در همه ابعاد خود با آیاتی از قرآن مجید در آمیخته و به واسطه تلاوت آن و نیز به وسیله نماز، دعا و مناجات تکیه‌گاه معنوی پیدا می‌کند.

می‌توان بی‌مبالغه گفت که هیچ هنری در پرورش ذوق هنری مسلمانان به اندازه خطاطی مؤثر نبوده است. برای ارزیابی و شناخت نکات و دقایق خوشنویسی بویژه تزئینات معماری که غالباً به کتیبه نگاری می‌کشد، باید با انواع شیوه‌های خطی و قلمها آشنا بود. یکی از مشخصات خوشنویسی اسلامی آن است که هیچیک از شیوه‌های آن از دوره‌های مختلف از رواج نیفتاده است و خوشنویسی بسته به ماهیت و مضمون متن‌ها شامل همه شیوه‌ها می‌شود. (۲)

صنعت خط یا خوشنویسی از دوره‌های اولیه اسلام میان مسلمانان مورد توجه بود و حتی پیش از نقاشی احترام و مقام داشت. خاصیت خط بر روی بناها مخصوصاً در محرابها هرچه باشد هدفی را دنبال می‌کند که در آن جنبشی هست و حرکت به

سوی مقصدی است. خطوط عمودی، منحنی و افقی هر کدام نوعی احساس در بیننده بر می‌انگیزد.

محرابهای گچبری شده با نقوش برجسته، گچ با سطحی هموار و ترکیب با مقرنس کاری، استفاده از طرح آجرکاری و گاه محراب در زمینه‌ای ساده از سنگ مرمر یا گچ.

ساخت محرابهای گچی از قرن اول هجری شروع شده و تا حمله مغول و بعد از آن، همچنان روند ساخت آن ادامه داشته است. در فاصله قرون ۵ و ۶ هجری هنرمندان مسلمان که در زمینه معماری و هنرهای تزئینی صاحب مهارت و تجربه گردیده‌اند، تزئین محراب با گچ بریهای پیچیده و مفصل را رایج کردند. هم در فاصله این دو قرن هنرمندان با جدیت و تلاش و ایمان و اخلاص نمونه‌های بسیار زیبایی از محراب را که در حقیقت گنجینه‌ای پر بار از هنر اسلامی به شمار می‌آید، بوجود آوردند.

محراب گذشته از مساجد در برخی از بناهای مذهبی دیگر نیز برپا گردیده و در هر دوره، بنابر کاربرد مصالح و رواج شیوه‌ای از هنرهای تزئینی، تزئین می‌شده‌اند.

در دوره اسلامی مانند دوره‌های قبل استفاده از گچ به عنوان یک پدیده تزئینی بطور وسیع در بناهای مختلف مذهبی و غیر مذهبی بکار گرفته شد که از جمله آنها می‌توان به گچبریهای زیبای شهر ری، نیشابور، سامرا و... اشاره نمود.

پیشرفت و اعتبار هنر گچبری در فاصله قرون ۵ و ۶ هـ ق بی تردید مدیون خلاقیت هنری هنرمندان گچ بر و خطاط این دوران در تزئین محراب مساجد و ایجاد کتیبه‌های مختلف است. همانگونه که کتابت قرآن کریم باعث رشد و رونق تذهیب و خطاطی گردید، هنر گچبری نیز به دلیل تزئین محراب به جایگاهی پرارزش و تجربه‌هایی سودمند دست یافت.

قرن ۸ هـ ق را که با سلطنت ایلخانان مغول در ایران همزمان می‌باشد، باید عهد گچ نامید زیرا در تزئینات باقیمانده این دوره همه جا غلبه با ماده گچ است. محرابهای گچی کنده کاری شده در حدود ۲۲ بنای این دوره باقیمانده است. از حیث ترکیب کلی و نیز جزئیات طرح و طرز ساختمان، این محرابها شبیه نمونه‌های سلجوقی است و این شباهت بقدری زیاد است که تشخیص بین

(۱) سجادی ص ۲۷

(۲) بوركهارت، تیتوس، هنر اسلامی (زبان و بیان) ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۵۷

محراب اوایل قرن ۶ و محراب اوایل قرن ۸ بسیار مشکل است. حاشیه‌ها و نگول‌ها دارای کتیبه به خط عربی در زمینه نقوش گل و بوته، در متجاوز از ۲۰ ساختمان وجود دارد. اگر بنا جنبه دینی دارد، مانند مساجد، کتیبه مزبور از آیات قرآنی و احادیث است و اگر بانی آن می‌خواسته است یادبودی از ساختن بنا باقی گذاشته باشد کتیبه جنبه تاریخی دارد. از محرابهای با ارزش این دوره می‌توان از محراب مسجد جامع ارومیه، مسجد جامع مرند، محراب مسجد ویرانه‌ای در اشترجان، نصب شده در موزه دوران اسلامی که به آن اشاره خواهد شد، نام برد.

از قرن پنجم به بعد کم کم محرابهای آجری در کنار محرابهای گچی ظاهر شدند ولی در کنار آن سنگ در ساخت محراب نیز استفاده می‌شد و در دوره‌های بعد نیز یعنی ایلخانی، تیموری و صفوی از سنگ در محرابسازی استفاده شده است. نمونه بسیار زیبایی از محراب‌های سنگی محرابی است مکشوفه از میمه اصفهان، که در موزه دوران اسلامی نصب شده است.

در اوایل قرن ششم هجری از قطعات ریز کاشی برای تزئین محرابهای آجری استفاده شده ولی ساخت محرابهای کاشی از قرن ۷ در سال ۶۱۲ هجری یعنی قبل از حمله مغول بوده است.<sup>(۱)</sup>

### خطوط کتیبه‌ها

اصولاً خطوطی که بر روی اشیاء هنری دوره اسلامی و هم چنین بر سطوح داخلی و خارجی بناهای این دوره نقش می‌بندد برای ذکر نام سفارش دهنده و هنرمند با قید تاریخ و چگونگی متعلقات و ملحقات آن و ثبت کلمات و عبارات مقدس مذهبی چون بسم الله الرحمن الرحیم و اسامی مختلف خداوند و رسوالتش و جانشینان رسول اکرم (ص) و یا آیات سوره‌های مختلف قرآن کریم که مناسبتی با بنا و هم چنین یادآور وظایف دینی و اخلاقی و غیره است، می‌باشد.

خطوط مختلفی که زینت بخش محرابهای مساجد در دورانهای مختلف اسلامی هستند عبارتند از کوفی با انواع گوناگون خود، نسخ، ثلث و... بیشترین خط استفاده شده در مساجد از جمله محرابهای موزه دوران اسلامی به خط کوفی می‌باشد. البته این محرابها از نسخ و ثلث هم بی بهره نیستند.

### خط کوفی

خط کوفی در پیدایش سلسله خطوط اسلامی رتبه نخست را دارد ولی امروزه از لحاظ استعمال در رتبه آخر قرار گرفته است.

هیچ خطی چون کوفی برای مقاصد تزئینی با انواع و احاء مختلف خود تا این حد مناسب نیست.

جرجی زیدان معتقد است:

«خط سریانی و نبطی پس از فتوحات اسلام میان اعراب باقی ماند و تدریجاً از خط نبطی خط نسخ (دارج) پدید آمد و از سریانی خط کوفی پیدا شد. خط کوفی در ابتدا به خط حیری مشهور بود و آن را به شهر حیره از شهرهای عربی عراق نسبت می‌دادند و بعدها که مسلمانان در نزدیکی حیره شهر کوفه را ساختند شهرت خط حیری به خط کوفی تبدیل یافت»<sup>(۲)</sup>

اما دکتر بهرامی معتقد است:

«جهت انتساب خط کوفی به کوفه کاملاً معلوم نیست و به نظر می‌رسد که در زمان ظهور اسلام وجود داشته و برای نوشتن قرآن بکار نمی‌رفته است بلکه به مناسبت اشکال مستوی و زاویه دار آن از قدیم بیشتر برای نوشته‌های روی سنگ و بنا اختصاص داشته و قدیمیترین نمونه آن بر روی سنگ آرامگاهی دیده می‌شود که در سال ۳۱ هجری قمری ساخته شده است»<sup>(۳)</sup>

«خط کوفی منسوب به خط نبطی متأخر مربوط به دو اصل «صفوی مسند» و نبطی قدیمی آرامی و این دو اصل ناشی از خط فنیقی است و خط فنیقی به دو خط میخی و هیروگلیفی منتهی می‌شود. این خط در جریان تحول خود زمانی بنامی حیری و انباری و با رفتن به مکه و مدینه مکی و مدنی نامیده شده و به دو صورت مبسوط و مستدیر متداول بوده است. آخرین مرحله یکی از آن دو (مبسوط) پس از بنای شهر کوفه و تکامل و تجوید به خط کوفی معروف گردید»<sup>(۴)</sup>

بهرحال جدا از سابقه تاریخی و نحوه پیدایش خط کوفی می‌توان گفت که این خط به انواع گوناگون مانند ساده - گوشه دار «مَعْقَل» - برگدار «مَوْرَق» گل و برگدار «مَزْهَر» - گره دار «مَعْقَد» - پیچیده «مَعَشَق» تقسیم می‌گردد. این نوع خطوط در آثار معماری اسلامی ایران با روش حجاری، گچبری، کاشیکاری و آجرکاری

(۱) سجادی، علی: سیر تحول در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول،

جلد ۱ - ص ۲۸

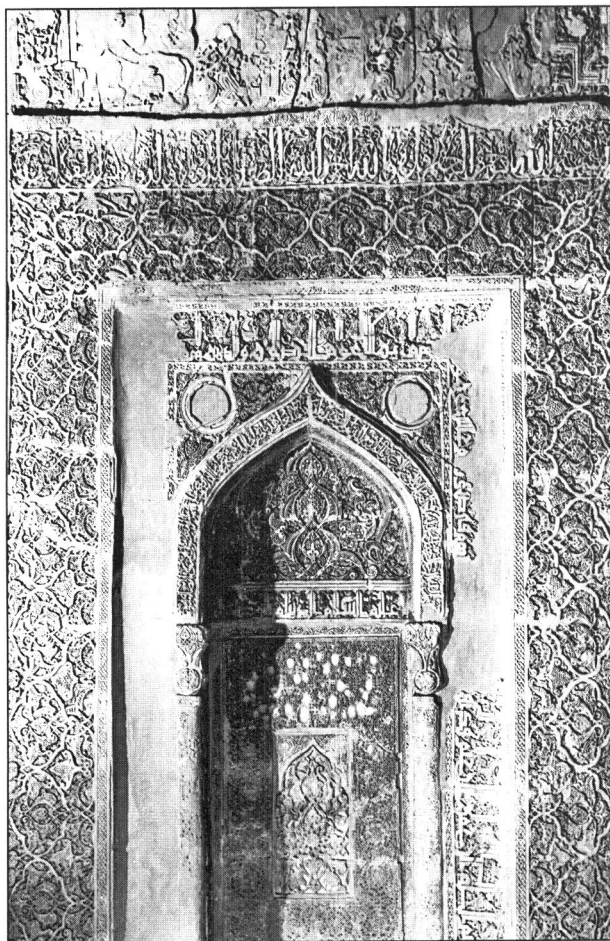
(۲) زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام - ص ۴۵۲.

(۳) بهرامی، مهدی - راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان - تهران - فروردین ۱۳۲۸ - ص ۱۶

(۴) زمانی، عباس - مجله هنر و مردم شماره ۱۲۸ - خرداد ۱۳۵۲ - ص ۲۱ به نقل از فضائلی مؤلف اطلس خط

زمان ایلخانیان ساخته شده و دارای ۴/۱۲ متر ارتفاع، ۲/۶۳ متر عرض و ۵۲ سانتی متر عمق می‌باشد. کتیبه‌های نقش شده بر روی آن با خطوط کوفی و ثلث در میان نقوش زیبای اسلیمی و هندسی، زیبایی خاصی به این محراب بخشیده‌اند. (تصویر شماره ۱)

**کتیبه اول:** کتیبه الحاقی بر پیشانی محراب سوره مبارکه الاخلاص به خط زیبای ثلث نوشته شده است:



تصویر شماره ۱- (محراب اشترجان)

۱- ناجی، زین الدین، مصورالخط عربی - ۱۹۷۴ میلادی، بغداد - چاپ اول - ص ۳۶۶

\*- اشترگان «اشترجان» نام دهکده‌ای است که در حدود ۳۶ کیلومتری جنوب غرب اصفهان واقع شده است. در قرن هشتم هجری اشترجان بصورت شهر کوچکی بوده است. این شهر در زمان سلطنت ایلخان مسلمان مغول سلطان محمد خدابنده «الجایتو» از عزت و عظمت و رونق خاصی برخوردار بوده است.

بکار رفته و یا بر روی اشیاء هنری چون سفال، فلز، پارچه و غیره نقش بسته است. نوع ساده خط کوفی دارای اصول و قواعد معیّنه است ولی کوفی تزئینی که اکثر خطوط محرابهای واقع شده در موزه دوران اسلامی نیز به آن کتابت شده جز رعایت حروف الفباء تحت قواعد اساسی ثابت و معیّنی نمی‌باشد و اکثراً پیچیده و سخت خوانده می‌شوند. زیرا در آن تصرفات و ابداعات بسیار شده و برای نظم و ترتیب و قرینه سازی و پر کردن زمینه، متوسل به رسم و نقاشی شده و خط را در میانه شاخه و گل و برگ و تزئینات هندسی که همراه حروف بکار رفته، پنهان ساخته‌اند.

### خطوط نسخ و ثلث

خط نسخ تا پیش از قرن سوم هجری هنوز قالب حقیقی خود را بدست نیاورده و بیشتر به حالت شکسته نوشته می‌شد. در قرن سوم نسبت به زیبایی خط توجه کامل مبذول شد و رویهم رفته دوران ترقی و زیبایی خط نسخ را از اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری به بعد باید دانست. مورخان می‌گویند زیبایی خط نسخ در عصر اتابکان (۵۴۵ هجری قمری) پدید آمد. بطوریکه به نسخ اتابکی معروف شد و به جای کوفی بدان خط قرآنها نوشتند و در عصر ایوبیان در مصر و شام خطوط ثلثی و نسخی به زیبایی و رونق ممتاز بوده است و خط نسخ در شرق و غرب عالم اسلامی آن روز با توسعه روزافزون در کتابت بکار می‌رفت. (۱)

استعمال خط ثلث نیز از دوره ایلخانی به بعد در اکثر بناهای مذهبی اعم از مقابر، مدارس و از همه مهمتر مساجد رایج گشت. این خط در دوره‌های تیموری و بالآخر صفوی نیز بکار گرفته شد. در اکثر محرابهای موزه دوران اسلامی این خط گاهی به تنهایی و گاهی با خط کوفی در کنار هم زینت بخش محرابها هستند.

### کتیبه‌های محراب اشترجان\*

محراب گچبری اشترجان نصب شده در موزه دوران اسلامی یکی از زیباترین محرابهای دوره ایلخانی می‌باشد که از مسجد ویران شده‌ای در روستای مزبور کشف شده است. غیر از محراب و هم زمان با آن محرابی هم در مسجد جامع اشترجان قرار دارد که از نظر نقوش خطوط کتیبه‌ها با محراب مورد بحث مشابهت هایی دارد.

محراب موزه دوران اسلامی در سال ۷۰۸ هجری قمری در



بِسْمِ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. (طرح شماره ۱-۱)

**کتیبه دوم:** بر حاشیه پهن اطراف قسمت اصلی محراب به خط کوفی آیات ۱ و ۲ و ۳ و کلمه شروع آیه ۴ از سوره مبارکه مؤمنون مشاهده می‌شود که در اثر مرمت محراب، قسمتهایی از آن کتیبه از بین رفته است.

«بِسْمِ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. وَالَّذِينَ...» (طرح شماره ۲-۱)

یقیناً بعد از کلمه والَّذِينَ که ابتدای آیه ۴ سوره مبارکه مؤمنون می‌باشد تا آغاز آیه ۷ این سوره نوشته شده ولی متأسفانه به مرور زمان از بین رفته و موجود نیست.

**کتیبه سوم:** بر پیشانی هلالی بالای دهانه محراب سوره مبارکه فاتحه به قلم ثلث بصورت بسیار زیبایی نقش بسته است:

بِسْمِ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (طرح شماره ۳-۱)

**کتیبه چهارم:** در حاشیه داخل، حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) با مضمون (قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ) به خط بسیار زیبای کوفی ساده نقش بسته است ولی متأسفانه فقط کلمات (علیه السلام الدنيا) باقیمانده و بقیه از بین رفته است. (طرح شماره ۴-۱)

در دو طرف بدنه داخلی محراب در سمت راست امضای سازنده محراب «عمل مسعود کرمانی» و بر سمت چپ سال ساخت محراب «فی سنة ثمان و سبعمأة» هر دو به خط ثلث ذکر شده است. نقوش زیبای تزئینی شامل نقوش هندسی در قسمت میانی محراب و نیز نقوش اسلیمی و گل و بوته‌های زیبا در سایر قسمتها کتیبه‌های فوق را در میان گرفته‌اند.

این محراب به شماره بخش ۳۲۷۱ در موزه دوران اسلامی ایران نصب گردیده است.

### محراب معروف به امامزاده کرار

یکی از زیباترین محرابهای دوران سلجوقی محرابی است که از امامزاده کرار واقع در بوزون اصفهان که به جوزون و بوزان نیز معروف بوده بدست آمده است. این محراب قبل از انتقالش به موزه ایران باستان (موزه ملی

ایران) در سال ۱۳۱۶، توسط اداره کل باستان‌شناسی وقت با وضعیت بسیار ناهنجاری در زیر برف و باران و عوامل جوی دیگر بر دیواری بدون سقف و پوشش قرار داشته و هیچگونه وسیله حفاظتی در محل جهت حفاظت از عوامل یاد شده موجود نبوده است. چون از نظر باستان‌شناسی حائز اهمیت بوده، لذا در همان سال آن را به موزه ایران باستان انتقال داده و بر روی دیوار نصب نمودند. محراب فوق دارای ۳/۵۳ متر ارتفاع، ۱/۸۶ متر عرض و ضخامت ۱/۱۹ متر می‌باشد. این محراب مستطیلی شکل دارای طاقنمائی با عمق حدود ۱ متر است. کتیبه پیشانی محراب ساخت بنا را در سال ۵۲۸ هجری قمری نشان می‌دهد. (تصویر شماره ۲)

نقوش تزئینی محراب را نقوشی با شاخ و برگ‌های اسلیمی تشکیل می‌دهند و قسمتی از این نقوش و نیز کتیبه‌هایی که باقیمانده به رنگ آبی رنگ آمیزی شده است. نقوش دیواره‌های داخلی طاقچه محراب با نقوش گچبری دوره ساسانی شباهتی کامل دارد. این محراب دارای سه کتیبه مزین به خطوط کوفی و نسخ به شرح زیر می‌باشد:

**کتیبه اول (حاشیه کناری):** کتیبه به خط کوفی تزئینی بوده و آیه شماره ۱۷ سوره مبارکه آل عمران این قسمت را مزین کرده است. قسمتی از این آیه مبارکه بعلت شکستگی و از بین رفتن محراب از میان رفته است. متن کتیبه به شرح زیر است: [شَهِدَ اللَّهُ] إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ]. قسمتهای از بین رفته در داخل کادر مشخص شده است. (طرح شماره ۱-۲)

این نوع خط کوفی تزئینی قابل مقایسه با خط محراب قدمگاه علی بن موسی الرضا (۵۱۲ هجری قمری)، محراب مسجد جامع ساوه (۵۰۴ هجری قمری) و نیز محراب فاطمه خاتون و... می‌باشد.

### کتیبه دوم (کتیبه پیشانی محراب)

کتیبه‌ای است به خط نسخ که احتمالاً قدیمی‌ترین خط نسخی است که تاکنون بر روی ابنیه اسلامی دیده شده است. این کتیبه که در قسمت پیشانی محراب در یک قاب مستطیل شکل قرار گرفته زیبایی خاصی به محراب بخشیده است:

«وَقَوْمًا لِلَّهِ قَانِتِينَ هَذَا عِمَارَةُ الْمِحْرَابِ الْعَبْدُ الْمَذْنَبُ عَلِيُّ بْنُ شِيرَزَادِ الْإِنصَارِيِّ الْفَرَزَوْنِيِّ\* فِي جَمَادَى الْآخِرِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ وَخَمْسِمِائَةٍ.» (طرح شماره ۲-۲)

از متن این کتیبه چنین بر می‌آید که محراب مزبور در سال ۵۲۸

هجری قمری تعبیه شده و اصل محراب قدیمتر از این تاریخ و احتمالاً مربوط به قرن چهارم باشد.

### کتیبه سوم (کتیبه بالای قوس طاق نما)

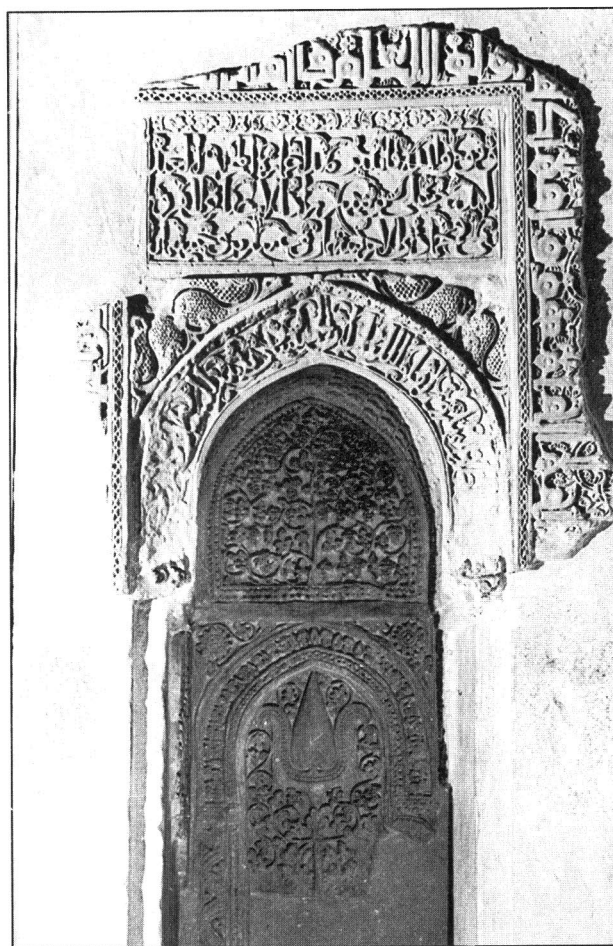
متن کتیبه که شبیه به خط کتیبه دوم بوده احتمالاً مانند نسخ فوق از قدیمترین نوع نسخ باشد. بیشتر کلمات آن بر اثر مرور زمان آسیب دیده و از برخی کلماتش که تقریباً قابل قرائت می باشد چنین بر می آید که آیه ۱۱۴ از سوره مبارکه هود در آن نقش بسته است.

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلَّذِينَ كَرِهُوا»

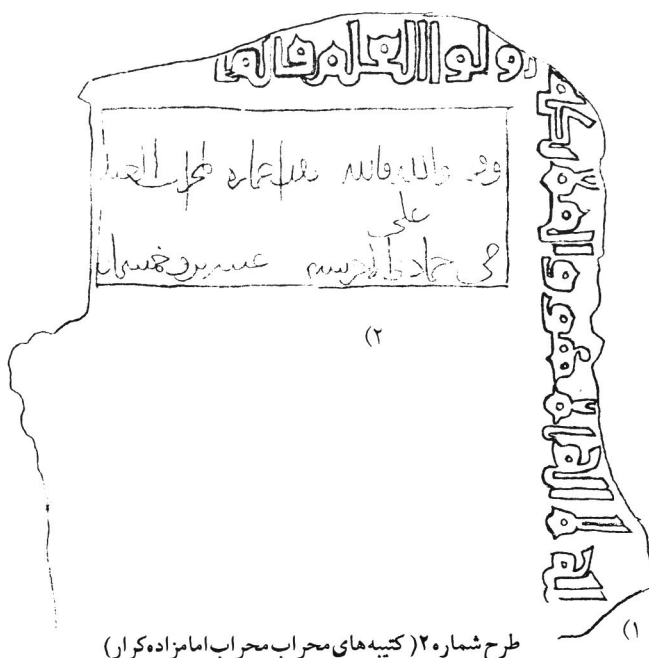
این محراب به شماره بخش ۳۲۶۸ در موزه دوران اسلامی ایران نصب گردیده است.

### محراب مکشوفه از ری:

یکی دیگر از قدیمترین و با ارزش ترین محرابهای دوره سلجوقی محرابی است که توسط هیأت حفاری موزه متروپولتین در کاوشهای ری از مسجدی کشف و به موزه ایران باستان (موزه ملی ایران) انتقال داده شده است. بلندی آن ۱۷۰ سانتی متر و عرض آن ۷۹ سانتی متر با رقمی نامشخص و چهار کتیبه به خط کوفی می باشد. اکثر خطوط کوفی این محراب از نوع تزئینی می باشد که هنرمند جهت نظم بخشیدن و پر کردن زمینه و هم چنین قرینه سازی متوسل به رسم و نقاشی شده و این خطوط زیبا را در میان شاخه و گل و برگ و تزئینات مختلف هندسی که همراه با حروف بکار رفته نهان ساخته است. (تصویر شماره ۳) ۳ کتیبه از این کتیبه ها از نوع کوفی تزئینی و یک کتیبه دیگر از نوع ساده آن است. کتیبه های تزئینی از نوع شاخ و برگدار «شجری» است که نمونه ای از آن را در مسجد جامع نائین مربوط به قرن سوم هجری مشاهده می کنیم. (طرح شماره ۳) بالای پیشانی محراب با نقوش برجسته و یک طرح تکرار شده، مزین



تصویر شماره ۲- (محراب گجبری امامزاده کرار)



طرح شماره ۲ (کتیبه های محراب محراب امامزاده کرار)

\*- فزوین و فزوان اسامی دیگر بیزان یا بوزون بوره که این محراب از آنجا بدست آمده است. خانواده انصاری هم که در متن اشاره شده از خانواده های اصیل و قدیمی منطقه اصفهان بوده اند. چنانکه میرزا سلیمان جابری انصاری در زمان شاه طهماسب اول از وزراء آن دوره بشمار می رفته است.

در خاتمه این سوره، آیه ۱۷ از سوره مبارکه آل عمران در میان نقش‌های زیبای تزئینی که عموماً نقوش اسلیمی و هندسی هستند با دقت و ظرافت و مهارت فوق العاده مزین گشته‌اند. (طرح شماره ۲-۴)

خط کوفی تزئینی شجری این کتیبه مشابهتی با کتیبه شیخ عبدالصمد نطنز و نیز محراب مسجد جامع نائین دارد:  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، قُلْ [هُوَ] اللّٰهُ اَحَدٌ اللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَّلَمْ یُولَدْ وَّلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ  
 دنباله کتیبه شهیدالله آنه لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ و الملائکة و اولوالعِلم قائماً بالقیسط.

### کتیبه سوم:

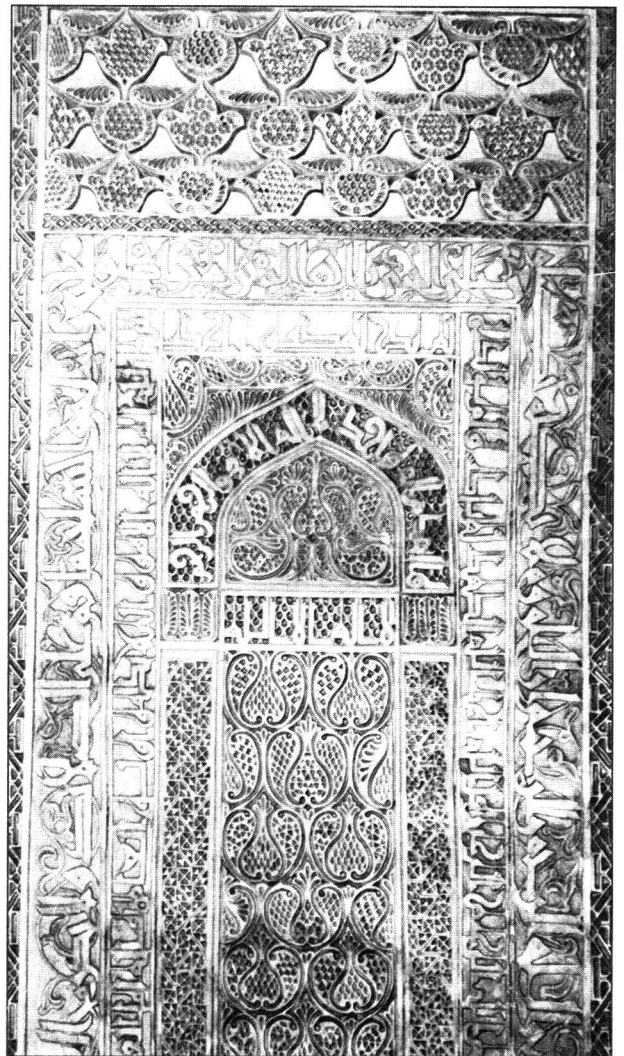
این کتیبه نیز با خط کوفی از نوع ساده نوشته شده و آیه مبارکه از قرآن کریم در این قسمت مزین است. این خطوط در میان نقوش شبیه لانه زنبوری قرار گرفته‌اند. (طرح شماره ۳-۴)

وَالهٰکُمْ اِلهٌ وَّاجِدٌ لَّا اِلهَ اِلاَّ هُوَ رَحْمٰنُ الرَّحِیْمِ.  
**کتیبه چهارم:** این کتیبه که آخرین کتیبه این محراب زیبا می‌باشد، عبارت لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ را شامل می‌گردد. این آیه مبارکه که با خط کوفی از نوع تزئینی شجری می‌باشد که در میان نقوش جالب لانه زنبوری جای گرفته است. (طرح شماره ۴-۴)

این محراب به شماره اموال ۲۲۶۶ در موزه دوران اسلامی ایران واقع شده است.

### منابع:

- ۱- بورکهارت، تیتوس: هنر اسلامی (زبان و بیان) ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش - چاپ اول، ۱۳۶۵
- ۲- بهرامی، مهدی: راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان - تهران - فروردین ۱۳۲۸
- ۳- دوپولو، بابا: معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزئی - تهران - مرکز نشر فرهنگی رجاء ۱۳۶۸
- ۴- زمانی، عباس: مجله هنر و مردم - شماره ۱۲۸ - خرداد ۱۳۵۲.
- ۵- زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران ۱۳۴۵
- ۶- سجادی، علی: سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، جلد اول
- ۷- ویلسون، اوا: طرح‌های اسلامی، ترجمه محمد رضا ریاضی، انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها)، چاپ اول ۱۳۷۷.
- ۸- فضائلی، حبیب ا... "اطلس خط" - انجمن آثار ملی اصفهان ۱۳۵۰.
- ۹- ناجی، زین الدین - مصورالخط عربی - بغداد - چاپ دوم ۱۹۷۴ میلادی



تصویر شماره ۳- (محراب گچبری مسجدی درری)

گردیده و تزئینات دیگر محراب را علاوه بر کتیبه‌ها که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد نقوش اسلیمی و هندسی تشکیل می‌دهند. این محراب در درون یک کادر مستطیل شکل قرار گرفته که داخل این کادر استادانه و ماهرانه از خطوط و نقوش پر شده است.

### کتیبه اول (حاشیه کناری)

این کتیبه به خط کوفی تزئینی با گره‌های ساده بر زمینه نقوش گل و برگ اسلیمی نوشته شده و متن کتیبه آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب می‌باشد. (طرح شماره ۴-۱)

اِنَّ اللّٰهَ وَّمَلَائِکَتُهٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا

**کتیبه دوم:** سوره مبارکه که اخلاص بدون [هُوَ] بعد از قل و نیز



صلى الله عليه وسلم وآله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح شماره ۴ (بخشی از کتیبه های محراب مسجد درری)

# پامناز قه

كازم عرب

## مقدمه

در مركز بافت تاريخي اغلب شهرهاي ايران، محله‌اي وجود دارد كه كه پامناز ناميده مي‌شود.<sup>(۱)</sup> وجه تسميه پامناز برخلاف بسياري از محلات، كه داراي وجه تسميه‌اي با منشاء طبيعي - مثل پستي و بلندي - يا عامل اجتماعي - طبقات اجتماعي - است از عامل معماري - ساخت منار - نشأت مي‌گيرد.

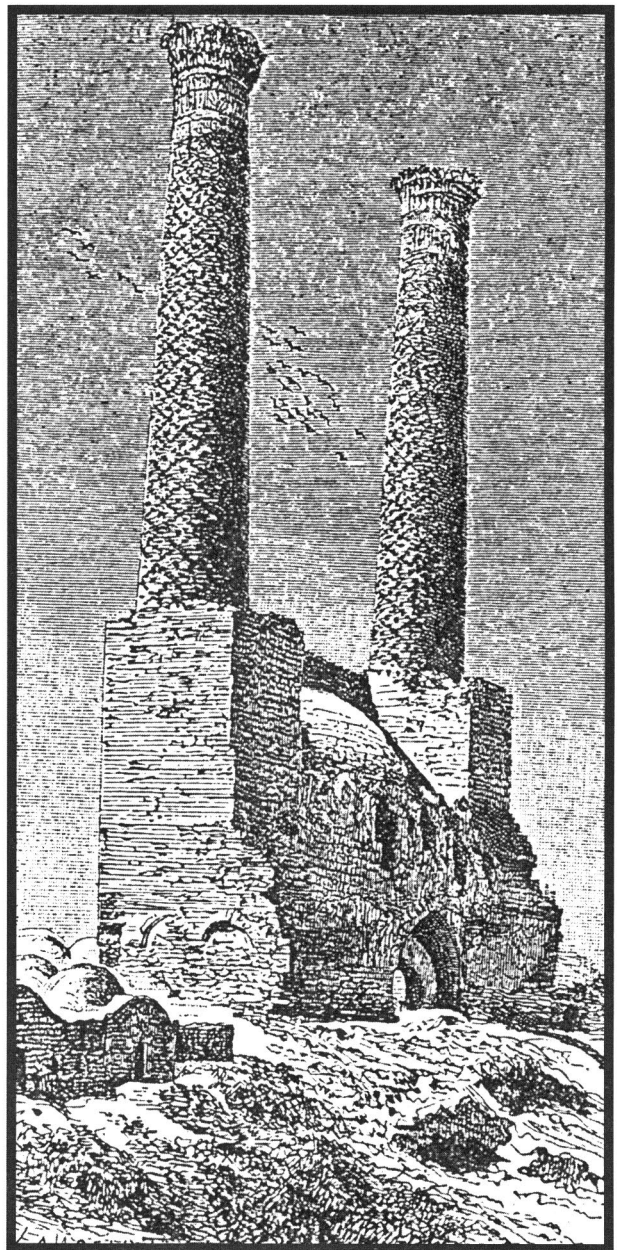
## پيشينه تاريخي

منار يا مناره به معني جاي نور و نار؛ و در اصطلاح بنائي است بلند و باريك كه در كنار مساجد و بقاع متبركه جهت اذان گويي، و يا به عنوان ميل راهنما در كنار جاده‌ها، مساجد، كار و نسررها، يا مدارس و دارالضيافه‌ها احداث مي‌گردد و به علت روشن نمودن چراغ يا آتش بر فراز آن، جهت راهنمائي در شب به مناره يا محل نور موسوم شد.<sup>(۲)</sup>

از آثار و علائم مناره‌هاي قبل از اسلام كه تعداد بسيار اندكي از آن در ايران باقيمانده، چنين بر مي‌آيد كه، منار با هدف راهنما بودن در دوران قبل از اسلام ساخته مي‌شده است. قديمي‌ترين اين منارها در ايران، برج راهنما يا ميل نورآباد معروف به ميل اژدها متعلق به دوره اشكانيان مي‌باشد كه در غرب نورآباد ممسني قرار گرفته است.<sup>(۳)</sup>

تاريخ احداث اولين مناره در دوران اسلامي بر ما نامعلوم است. ظاهراً چنين به نظر مي‌رسد كه پيدايش مناره كمي پس از ظهور مساجد صورت گرفت. به اعتقاد برخي از محققين فكر احداث منار به نيمه نخست قرن اول هجري بر مي‌گردد؛ و نخستين مأذنه و مناره‌ها در سرزمينهاي عراق و مصر ساخته شد، آنگاه در زمان خلافت امويان در سوريه به صورت كامل‌ترى ظاهر گرديد.

درياب اينكه نخستين مناره در ايران دوران اسلامي، در چه زماني و در كجا احداث شد، اطلاعاتي در دست نيست. اگر گفته گيرشمن را كه منار مسجد جامع شوش در قرن اول هجري يعني همعصر مسجد جامع دمشق ساخته شده درست بدانيم بدون ترديد مي‌توان گفت كه اين منار جزء اولين منارهايست كه در ايران بعد از اسلام به عنوان مأذنه در كنار مساجد جلوه‌گر شده است.<sup>(۴)</sup>



— ديداز جبهه شمالگربي، طرح از ديولافوا، ۱۸۸۱ ميلادي

## موقعیت

تک منار میدان کهنه و مناره‌های زوجی سر در مدرسه غیاثیه (پامنار) در میدان کهنه شهر قم حد فاصل محله چهار مردان و محله مسجد جامع واقع است که در گذشته به "سروزار" (همان سربازار فعلی) شهرت داشت. امروزه نزدیکترین خیابان دسترسی به آن خیابان آذر است که در اوایل قرن اخیر بابرش بافت قدیمی جنوب غربی شهر، از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد. (تصاویر ۱ و ۲، نقشه ۱)

در دوران پیش از اسلام و اوایل دوران اسلامی مجموعه‌ای از دهات منطقه قم که توسط نهرهای منشعب از قمرود (اناربار) مشروب می‌شدند روستاقی را با یک دیه یا دژ مرکزی تشکیل می‌دادند که به نام آن نهر خوانده می‌شد. از میان دیه‌های شش‌گانه قم، دیه یادژ باستانی "ممجان" - که مؤلف تاریخ قم در اواخر قرن چهارم هجری آن را نفس شهر قم می‌خواند، به جهت مرکزیت گسترش بیشتری یافت و هسته اصلی شکل‌گیری شهر اسلامی قم شد. (۵) دیه‌ای که بر اساس مطالعات تاریخی و معماری میدان کهنه کنونی خواستگاه آن به حساب می‌آید.

مهندس سعیدنیا در این خصوص می‌نویسد:

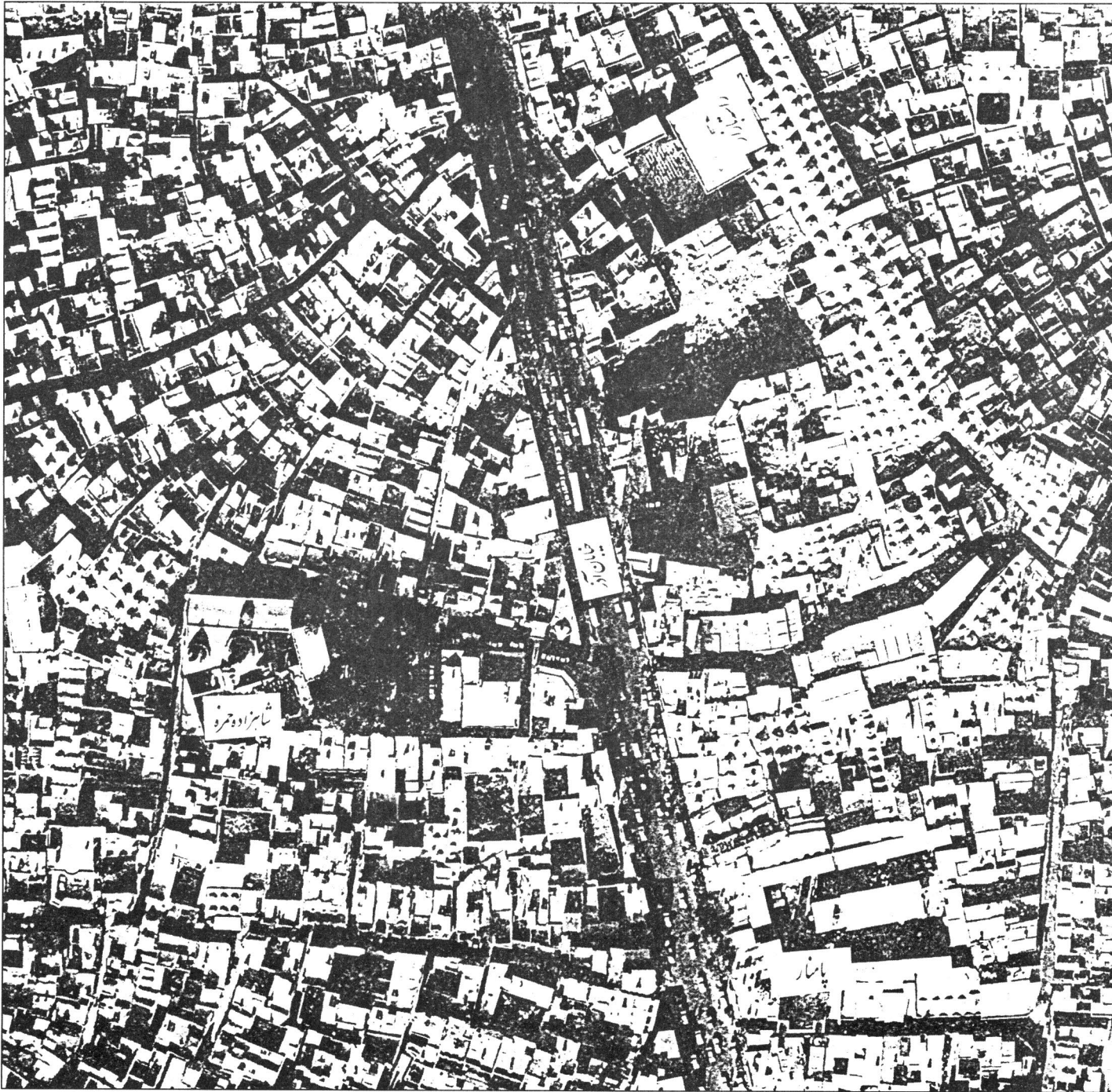
"موقعیت مکانی "محله لب چال" در میدان کهنه در میان محلات قدیمی شهر و مرکزیت ارتباطی آن در اتصال جاده‌های ناحیه تردیدی بجا می‌گذارد که، این محوطه، همان دیه یادژ باستانی ممجان بوده که از ابتدا تاکنون هسته کهن شهر قدیمی قم را تشکیل می‌دهد... و در توسعه شهر دوره اسلامی، معبری که از جوار دژ ممجان می‌گذشته به تدریج مبدل به بازار گشته است و مهمترین عناصر شهری در ورودی اصلی آن یعنی میدان کهنه احداث شده‌اند که عمده‌ترین آنها، مدرسه غیاثیه (پامنار) در مدخل میدان کهنه است که در قدیم همواره به عنوان "وسط شهر" نامیده می‌شد و مرکز تلاقی راههای مختلفی بوده است که از متن شهر عبور می‌کردند. (۶) (نقشه ۲) مشاهده شبکه راهها، گذرها و کوچه‌ها درون بافت قدیم شهر در شرایط فعلی نیز ردپای بسیاری از این جاده‌ها را در متن شهر مشخص می‌سازد.

میدان کهنه و محله پامنار، خصلت مرکزیت خویش را تا اواخر دوران قاجار حفظ کرد، لیکن با احداث جاده تهران قم به سال ۱۳۰۱ هجری توسط امین السلطان، جاده قدیم ری متروک گردید. (۷) و بعضی از فعالیتها و خدمات مرکز قدیم میدان کهنه به مرکز جدید یعنی میدان نو، منتقل گردید و به تدریج در پیرامون حرم توسعه یافت. با وقوع سیل ۱۳۱۳ هجری که بخشی از بافت قدیمی



تصویر ۱- عکس هوایی موقعیت منار میدان کهنه و پامنار در میان بافت اطراف

شهر در شرق رودخانه را در برگرفت؛ و سکونت برخی از مردم برای نخستین بار در غرب رودخانه این توسعه آهنگ سریعتری یافت. با احداث راه آهن به تدریج نیمی از شهر، در غرب رودخانه تشکیل گردید و مرکز فعالیت‌های اقتصادی شهر از میدان کهنه و



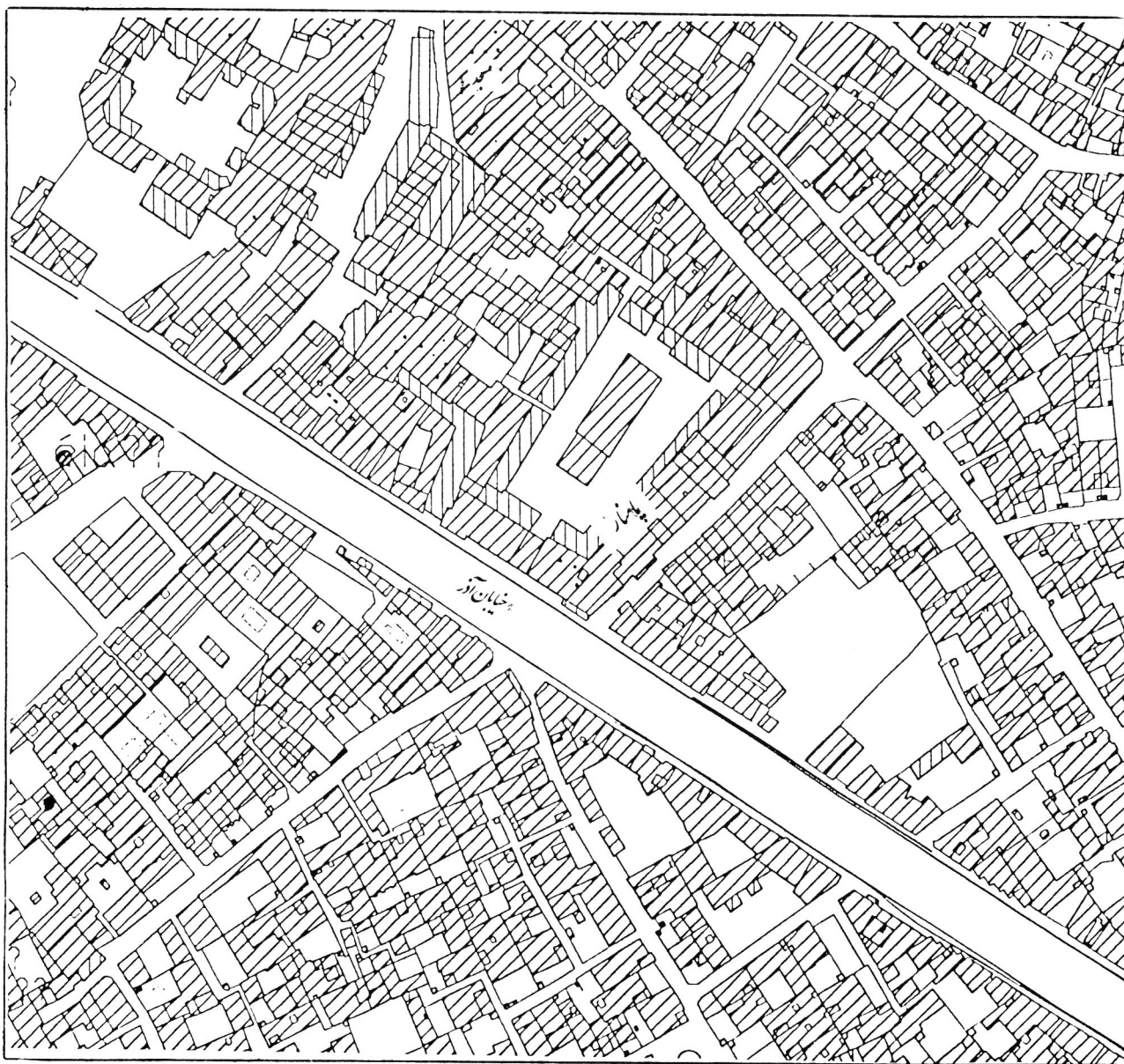
### منار میدان کهنه

در متون تاریخی اوایل و اواسط دوران اسلامی از ساخت سه منار در قم سخن می‌رود یکی مناره‌ای که به سال ۲۹۱ هـ.ق در دوره حکومت یحیی بن اسحاق، به خود یاری اعراب اشعری در

بازار کهنه به مرکز جدید یعنی میدان نو و پیرامون حرم حضرت معصومه (س) منتقل گردید که به علت جاذبه‌های مذهبی، زواری و حمل و نقل، توسعه وسیعی یافت و مرکز قدیمی یعنی میدان کهنه بکلی از اهمیت ساقط شد.



تصویر ۲- عکس هوایی موقعیت منار و مسجد میدان کهنه و پامنار (سرد مدرسه  
غیاثیه)



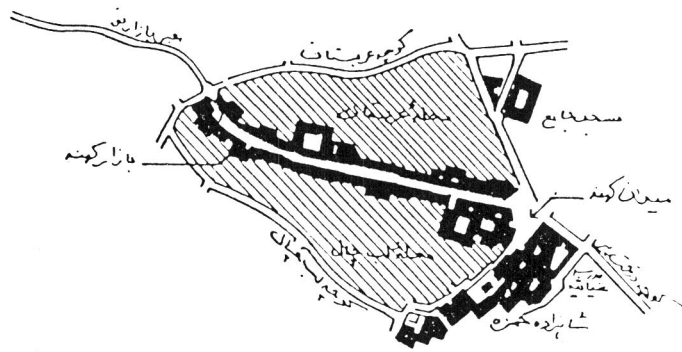
نقشه شماره ۱- نقشه عکس هوایی موقعیت مسجد منار و پامنار

کنار مسجد ابوالصدید حسین اشعری ساخته شد.

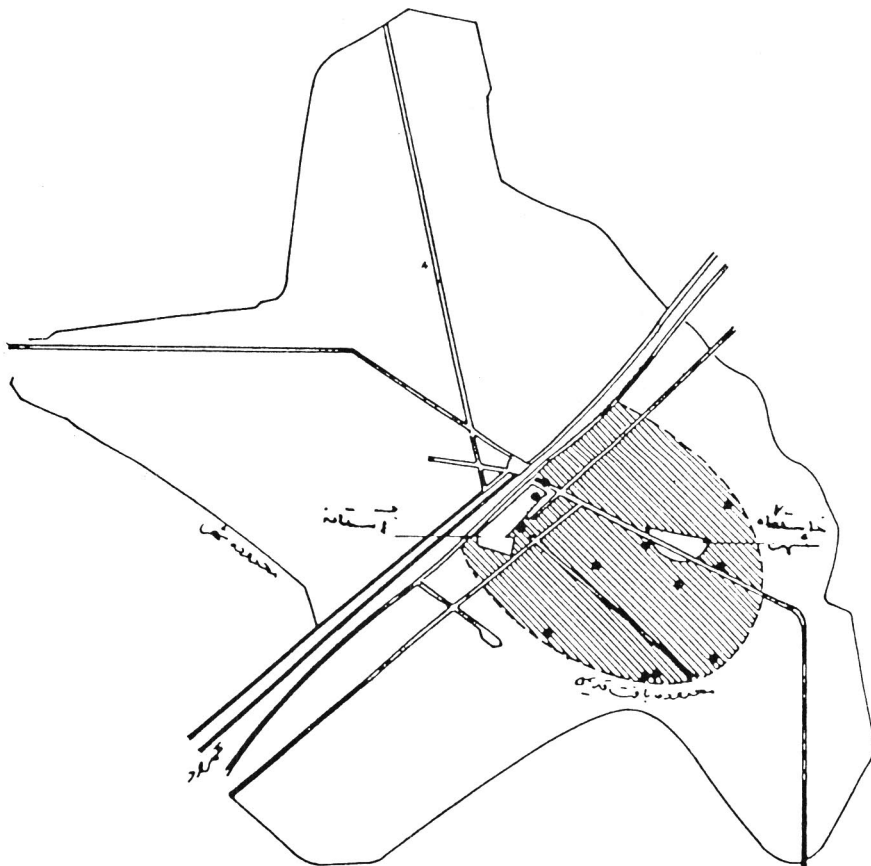
مؤلف گنجینه آثار قم منار میدان کهنه راهمان منار سال ۲۹۱ هـ ق که میان شهر جدید اسلامی و شهر قدیم کمیدان بنیان گردید، می‌داند که از تصادفات متناسبه کلمه منار برابر ۲۹۱ ماده تاریخ بنای آن شده است<sup>(۸)</sup> و بر همین اساس برخی از محققین معتقدند که بعد از مناره شوش و مناره نخستین مسجد تاریخانه دامغان - که در زمان حاضر اثری از آنها نیست - مناره میدان کهنه قم قدیمی‌ترین مناره موجود در سرزمین ایران است.<sup>(۹)</sup> دو مناره

دیگر در قم وجود داشته یکی مناره‌های احدائی میرابوالفضل عراقی به سال ۴۴۷ در خارج از شهر و دیگری مناره‌های احدائی کمال‌الدین ثابت وزیر در سال ۵۲۷ در داخل شهر قم است؛ که به اعتقاد فیض نشانی از آنها وجود ندارد<sup>(۱۰)</sup> مگر آنکه مناره‌های سر در مدرسه غیاثیه را آن مناره‌ها فرض کنیم.

در متون تاریخی دیگر سخنی از مناره‌های قم نیست تا قرن دوازدهم هجری قمری در دیوان هاتف اصفهانی<sup>(۱۱)</sup> که قطعه‌ای در ماده تاریخ مرمت کهن گلدسته قم با اشاره به قدمت آن هست



موقعیت محله "لب چال" نسبت به محله عربستان و بازار کهنه



نقشه ۲- موقعیت مرکز جدید "استانه" در مرکز شهر و موقعیت مرکز قدیمی، بازار و میدان کهنه در بافت قدیم شهر

که مقصود همین منار میدان کهنه است. مضمون دو بیت مرتبط با موضوع چنین است:

کهن گلدسته قم را که ویران بود بنیادش

مجدد شد به حکم او اساس و تازه شد بنیان

دبیرخامه هاتف پی تاریخ اتمامش

رقم زد شد زحکم آصف این گلدسته آبادان<sup>(۱۲)</sup>

کهن گلدسته قم را که ویران بود بنیادش

مجدد شد به حکم او اساس و تازه شد بنیان

دبیرخامه هاتف پی تاریخ اتمامش

رقم زد شد زحکم آصف این گلدسته آبادان<sup>(۱۲)</sup>

منار میدان کهنه که بر اساس کتیبه سنگی مورخ ۹۶۳ هـ

موجود در محل به آن منار چهارسو نیز می‌گفتند، با ارتفاع ۲۴ متر

و قطر نزدیک به ۴ متر بصورت رگ چین آجری، مانند اغلب

مناره‌های عصر سلجوقی، با دو راه پله مارپیچی به صورت رفت

و برگشت با ۶۳ پله بر پا گردیده که در شرایط کنونی یکی به

فضای داخلی مسجد معاصر راه می‌یابد و دیگری دریچه‌ای رو به

بام دارد. فرم آجر کاری، و نوع معماری منار مشابهات بسیار

نزدیکی را با منار مسجد میدان ساوه (مورخ ۴۵۳ هـ) و مناره

آجری خرم‌آباد (متعلق به قرن پنجم هجری قمری) نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد که منار میدان کهنه قم، همچون مناره میدان ساوه

و دیگر مناره‌های هم عصر، در قسمت تاج و مأذنه دارای

کتیبه‌های از آجر بوده است که در طول زمان فروریخته است.

ضمن آنکه باقی قسمت‌ها نیز دچار فرسودگی شدید بود و چنانکه

در دیوان هاتف اشاره شد به همت یکی از امراء زند به سال ۱۱۹۱

هـ قمری مرمت اساسی گردید.<sup>(۱۳)</sup> و مأذنه فعلی نیز در حدود ۵۰

سال پیش برفراز منار احداث شد. (تصاویر ۳/۴)

منار میدان با توجه به کهن ۶ سالی شاهد ساخت و تخریب

مساجد متعددی در جوار خویش بوده است که شاهد آن

مساجدی است که در متون تاریخی به مسجد منار معروفند<sup>(۱۴)</sup>

و مسجد فعلی نیز به همت مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد تقی

فیض پس از انهدام دکان رنگرزی که مدخل راه پله منار را در بر

گرفته بود، در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در محوطه‌ای به طول

۲۱ و عرض ۱۲ متر مرکب از ده چشمه طاق برفراز ستونهای

سنگی احداث شد.<sup>(۱۵)</sup> (نقشه شماره ۳)

منار میدان کهنه قم به عنوان قدیمی‌ترین اثر معماری بازمانده

از دوران گذشته، شاهد حوادث تاریخی متعددی بوده است که بر

این شهر رفته که یکی از متأخرترین و مهمترین آنها تصرف شهر

توسط نیروهای خارجی در جنگ جهانی اول؛ و شلیک ۴ گلوله

توپ از جبهه شمالی به بدنه ستبر مناره بود، که به گفته معمران به

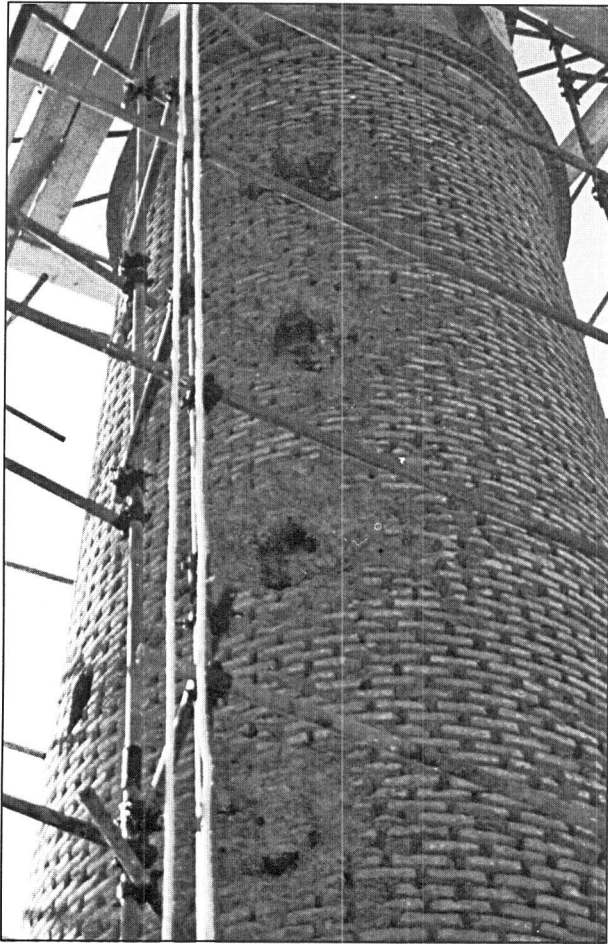
هنگام ورود نیروهای خارجی به قم به منظور ارباب کمیته

مجاهدین صورت گرفت. (تصویر ۵)

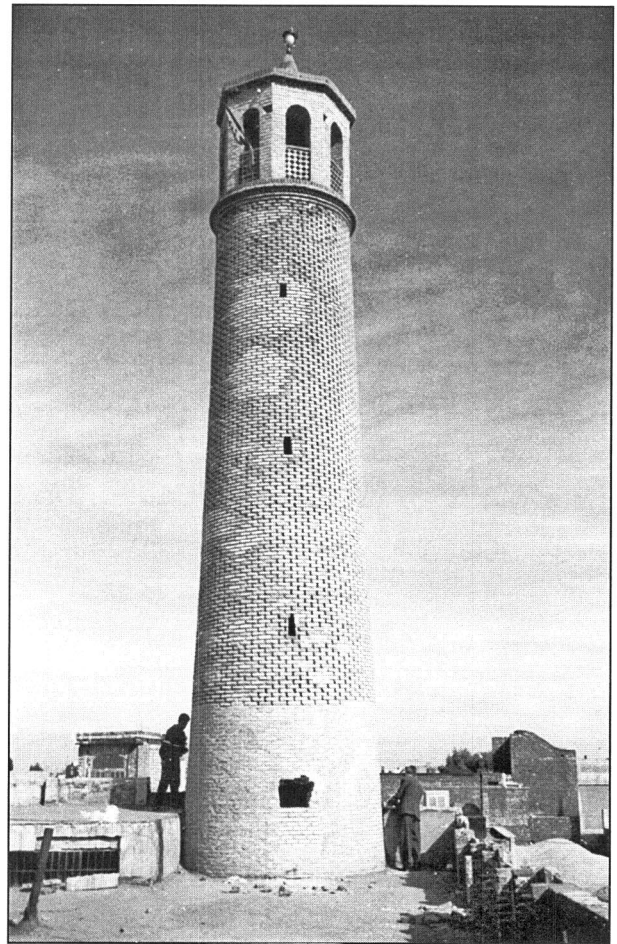
با توجه به آنچه گذشت و با تأکید بر شواهد معماری و



تصویر ۳- نمای عمومی منار کهنه به همراه بافت اطراف، دید از فراز بام منار



تصویر ۵- منار میدان کهنه، محل اصابت گلوله‌های توپ، دید از جبهه شمالی



تصویر ۴- منار میدان کهنه، پس از اتمام عملیات مرمت، دید از جبهه جنوبی

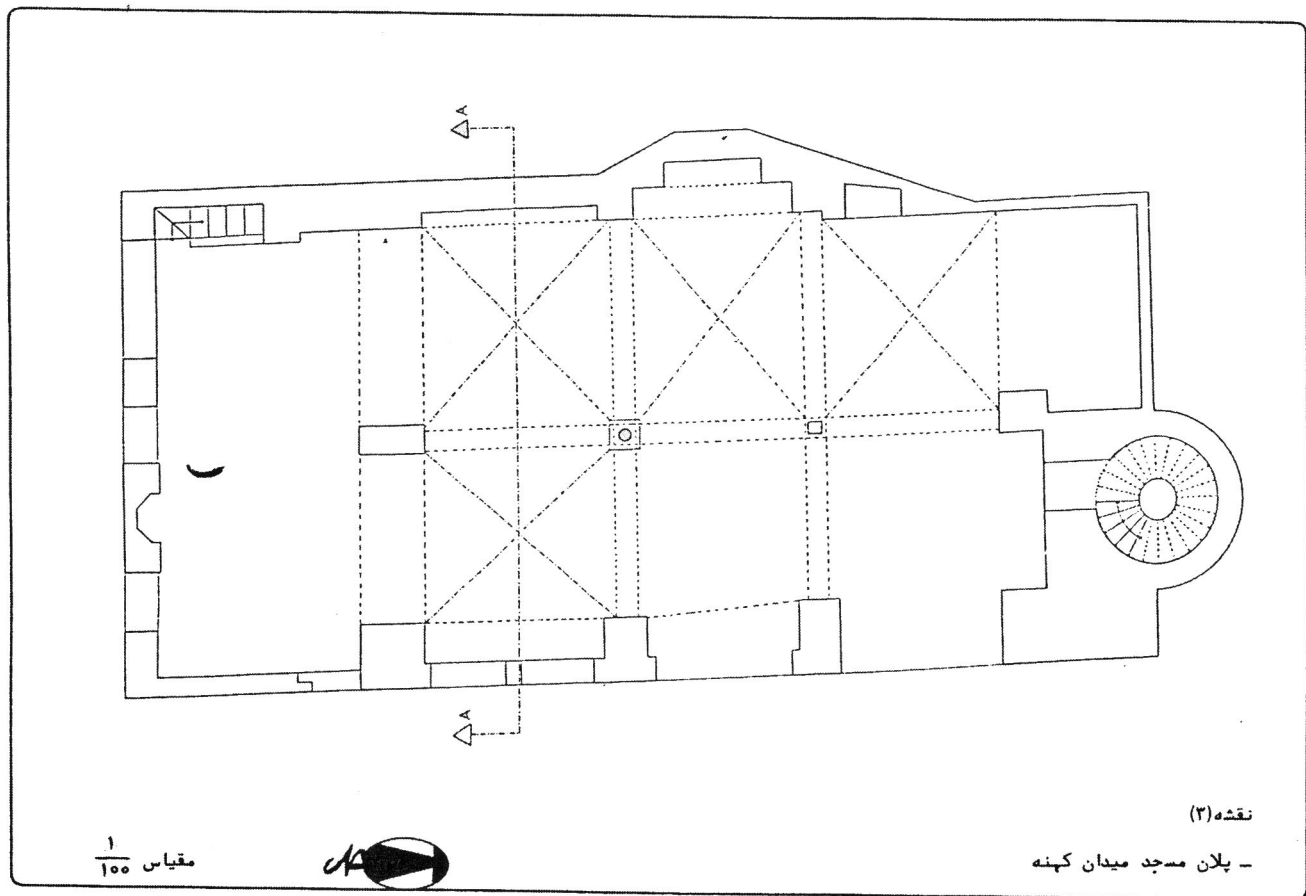
مقایسه آن با سر در مسجد (مدرسه؟) نظامیه ابرقو ضمن ارائه تاریخ تقریبی بنا تصویری از آن ارائه می‌کند که از منظر شرقی و ایوان ورودی عکاسی شده است. (۱۷)

نخستین کسی که بصورت مشروح به بنا می‌پردازد، مؤلف گنجینه آثار قم است. فیض بدون ارائه منابع و مأخذ، سر در مدرسه غیاثیه را همان بقایای مدرسه شرفیه می‌داند که توسط شرف‌الدین ابوطاهرین علی قمی وزیر سلطان سنجر سلجوقی به سال ۵۴۷ هجری قمری بنا گردید و اشتهار آن به نام غیاثیه مربوط به حمای در مقابل مدرسه بوده که شخصی به نام غیاث‌الدین رضوی آن را وقف آستانه نمود. پس از آن بعضی از سادات قم آن محوطه را به نام واقف آن یعنی غیاث‌الدین رضوی که در زمان شاه اسماعیل صفوی سرکشیک آستانه مقدس رضوی بوده است، مدرسه غیاثیه نامیدند. وی در ادامه می‌نویسد که بقایای این مدرسه در سیل ۱۰۴۵ هجری قمری

مقایسه با بناهای مشابه تاریخ دار تاریخ ساخت مناره میدان کهنه قم نمی‌تواند فراتر از قرن پنجم هجری قم باشد و احتمالاً اواسط قرن پنجم هجری قمری است و استناد تاریخی برخی از محققین جهت انتساب بنا به قرن سوم هجری قمری صحیح به نظر نمی‌رسد.

### پامنا (۱۸) (سر در مدرسه غیاثیه) پیشینه مطالعات

قدیمی‌ترین تصویر در دست از مناره‌های فوق طرحی است که مادام دیولافوا به سال ۱۸۸۱ میلادی از جبهه شمال غربی بنا ارائه کرد. در این طرح عظمت بنا به جهت خالی و محقر بودن خانه‌های اطراف کاملاً چشمگیر است وی از بنا با عنوان مناره‌های مسجد ویرانه‌ای در قم یاد می‌کند. (۱۶) سپس دونالدویلبر پس از بازدید ۱۹۴۳ میلادی با اشاره کوتاه به بنا و



نقشه ۳- پلان مسجد میدان کهنه

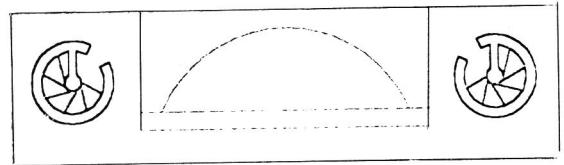
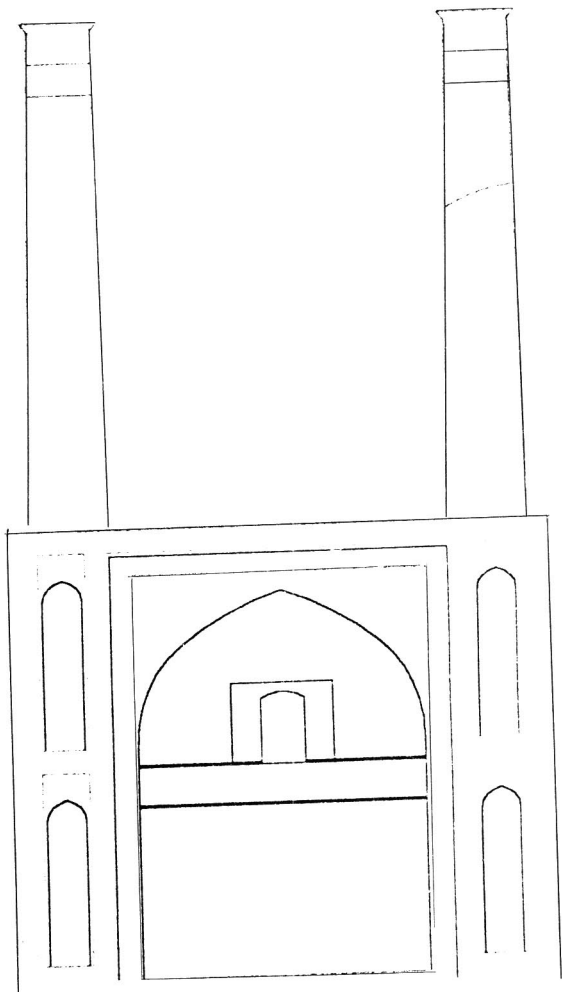
### وضعیت

از مدرسه معظم گیائیه تنها سر در و دو منار باقی مانده است. سر در مدرسه به ارتفاع ۱۲ متر و به عرض ۷ متر و عمق ۴ متر به سمت شرق بنا گردیده که در دو سوی آن میان جرزهای جانبی دو طاقنمای کم عمق و کم عرض یکی پائین و دیگری بالا تعبیه شده است. (تصویر ۶ ، نقشه ۴)؛ که با توجه به بخشهای اندک تزئینات باقیمانده جرزها و طاقنماها هماهنگی مزین به گچبریهای وصله‌ای با نقوش مهری و کتیبه‌های گچی بوده‌اند. (تصویر ۷ ، ۹) پوشش سقف ایوان نیز ظاهراً مقرنس بوده که تماماً فروریخته است از مجموع کتیبه‌های گچی داخل ایوان تنها بخشهای بسیار اندکی از کتیبه‌ها و گچبریهای پوشش قوسی ایوان با نقش نامهای مقدس محمد (ص) و علی (ع) با خط بنایی هنوز قابل مشاهده است. (تصویر ۸)

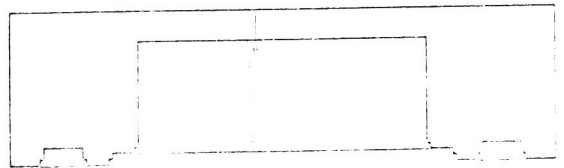
دو مناره بالای ایوان به قطر ۲/۵۰ و ارتفاع ۱۳ متر از بالای بام

منهدم گردید و تنها ایوان و مناره‌های آن باقی مانده است. (۱۹) برخی از محققین نیز با توجه به اشاره عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب النقض (تالیف شده به سال ۵۵۵ هجری قمری) به خدمات میرابوالفضل عراقی، در عهد سلطنت طغرل سلجوقی و اشاره به جمله ابا روی شهر ری او کرد و با روی قم او نهاد و مسجد عتیق قم و مناره‌ها او نمود بر سلجوقی بودن بنا صحه می‌گذارند. (۲۰)

تنها تحقیق جامع و عالمانه با دقت بر متون تاریخی و با توجه به تزئینات وابسته به معماری و کتیبه‌ها توسط محقق ارجمند مدرسی طباطبایی بعمل آمده که بر اساس آن نام مدرسه با توجه به تکرار متعدد در متون عصر صفوی و قاجار همان مدرسه گیائیه است وی به موجب کتیبه مناره جنوبی بنا را متعلق به قرن نهم (۸۳۰ هجری قمری) می‌داند. (۲۱)

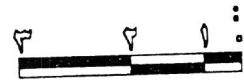


پلان بام

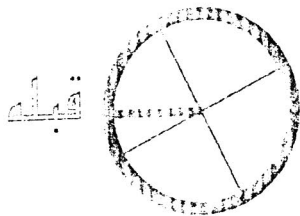


پلان همکف

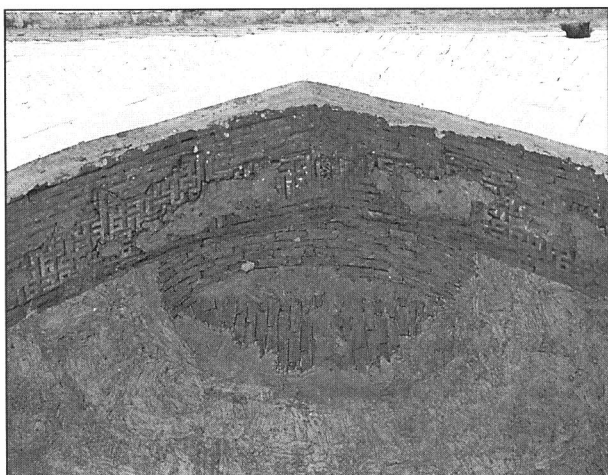
نما



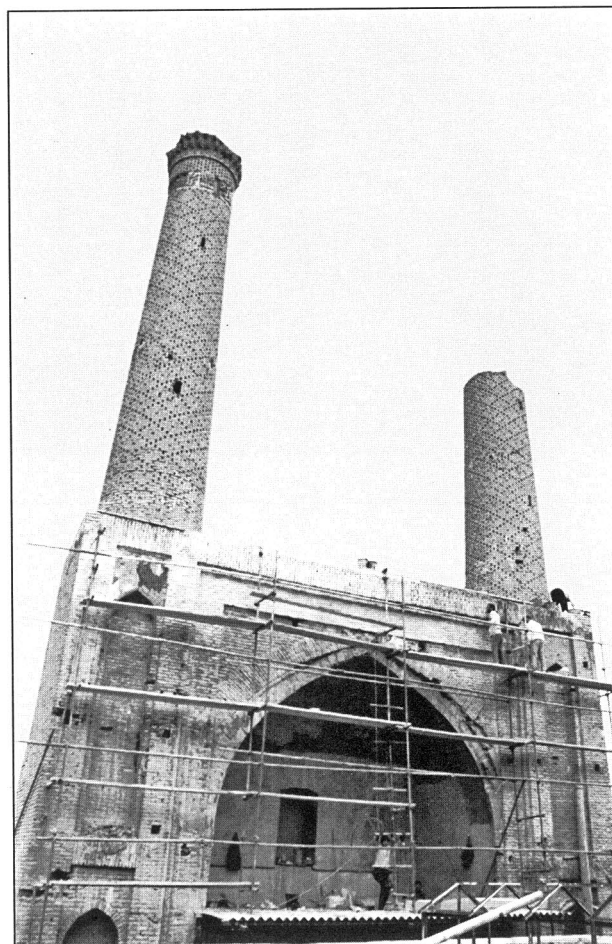
شمال



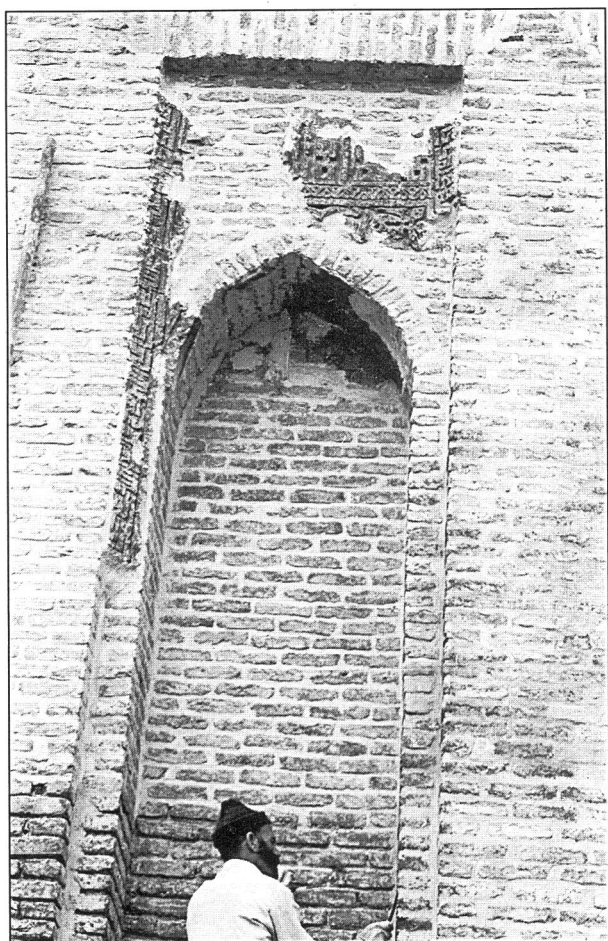
نقشه ۴- پامنار (ایوان مدرسه غیاثیه) پلان همکف، پلان بام و نما



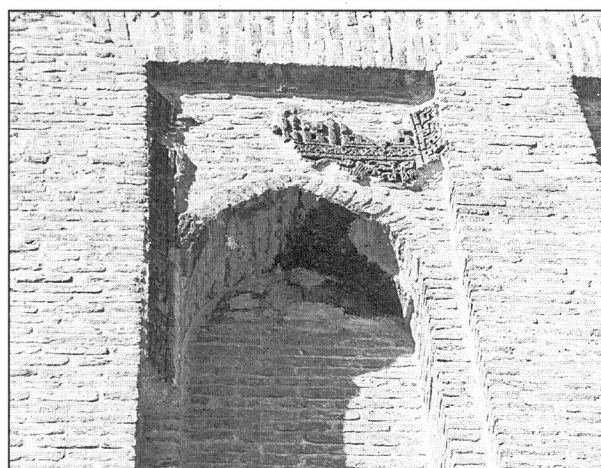
تصویر ۸ - پامنار، بقایای گچبریهای پوشش قوسی ایوان



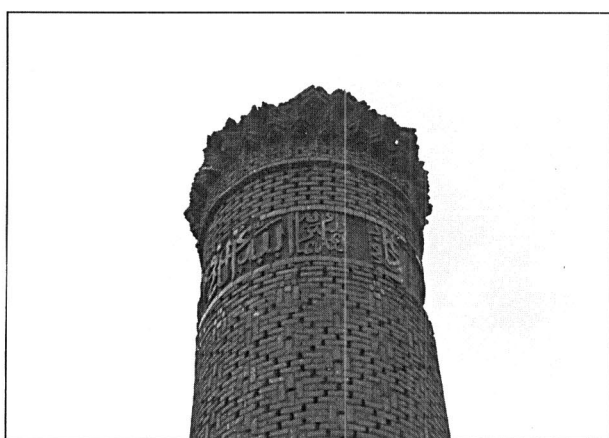
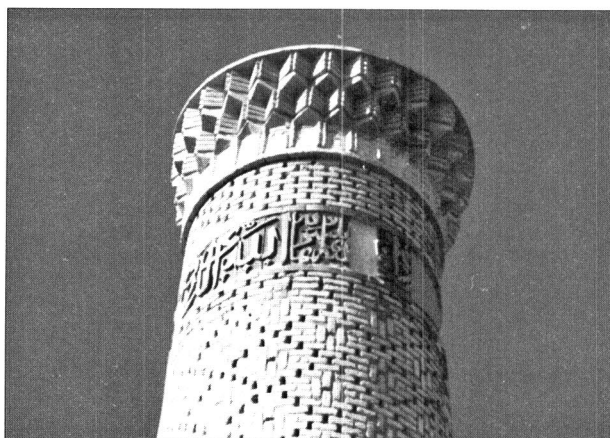
تصویر ۶ - پامنار، دید از جبهه شرقی به هنگام آغاز عملیات مرمت



تصویر ۹ - پامنار، نمایی دیگر از بقایای کتیبه‌های گچی طاقنمای جبهه جنوبی



تصویر ۷ - پامنار، بقایای کتیبه‌های گچی در طاقنماهای جبهه جنوبی



فاصله‌ای نزدیک به هشتاد سال) کمی بعید به نظر می‌رسد.

احتمالاً بیشترین صدمات به مدرسه و بنای آن یکی به هنگام حضور افغانه در قم است که به گفته فیض آن رابهار بند دواب خود کرده بودند<sup>(۲۵)</sup> و دیگری سیل ۱۰۴۵ هجری قمری است که صدمات اساسی بدان وارد ساخت چنانکه بتدریج متروک گردید؛ و در نیم قرن اخیر به جهت تخریب سردابه ستوندار و گودی منطقه نسبت به سطح معابر اطراف به محل فاضلاب شهر و سپس گاراژ و میدان بار تبدیل شد.

در مجموع اطلاعات تاریخی و نوع معماری ایوان و مناره‌ها، تزئینات وابسته به معماری همچون نقوش گچی مه‌ری و کتیبه‌های کوفی یا زمانده، طرح مربع اریب یا لوزی کار شده در مناره‌ها - که از عمده طرح‌های آجر کاری عصر ایلخانی است - بر ویژگی‌های عمده معماری عصر ایلخانی تاکید دارد و به تحقیق می‌توان گفت - برخلاف تصور بقرخی مبنی بر سلجوقی بودن اثر - تاریخ ساخت بنا فراتر از قرن هشتم هجری قمری نیست و تیموری بودن بنا نیز جز کتیبه کاشی خشتی تاج منار جنوبی

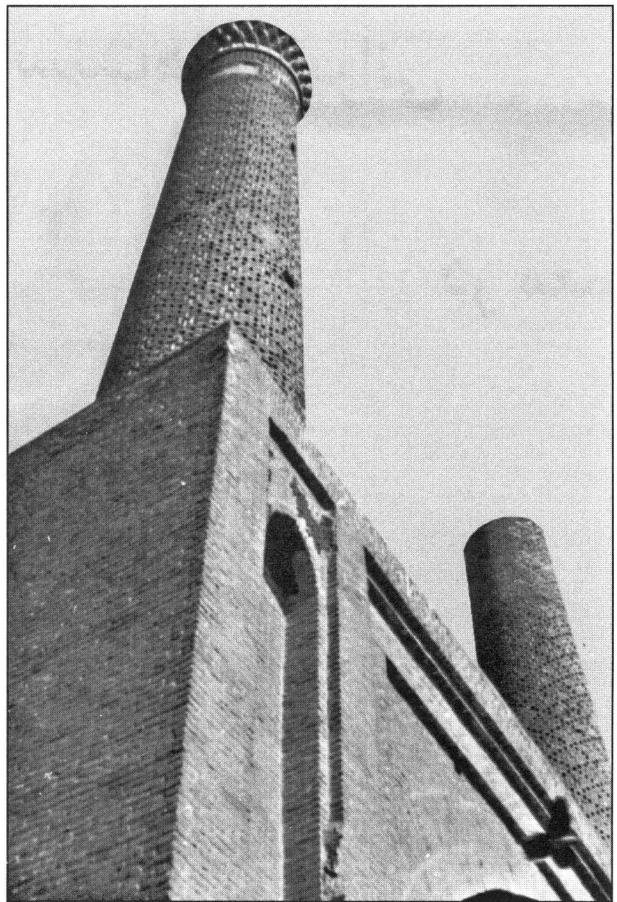
و ۲۵ متر از سطح زمین، با آجر و ملات و گچ، با طرح مربع اریب یا لوزی و تزئین کاشی فیروزه‌ای چلیپا شکل در کمرگاه و گلوگاه احداث گردیده است که از طریق ۶۲ پله مارپیچی ۲۴ سانتی متری از بام به مأذنه مناره راه دارد، بر فراز منارها و قبل از آغاز گلدسته یا تاج منار، کتیبه‌ای از کاشی خشتی به ارتفاع ۵۰ سانتی متر به خط ثلث سفید در زمینه‌ای لاجوردی گرداگرد منار را در بر می‌گیرد که در شرایط کنونی به جهت تخریب ۶ متر فوقانی منار جبهه شمالی در طی زلزله‌های دهه ۵۰، کتیبه منار جبهه شمالی عملاً از بین رفته است لیکن به استناد مطالعات ارزش‌مند دکتر مدرسی طباطبایی و تصاویر موجود کتیبه مذکور آیه ۴۱ سوره فاطر بوده که به هنگام تألیف کتاب تربت پاکان (سال ۱۳۵۴ ه.ش) تنها جمله "لثان امسکهما من احد من بعده..." باقی مانده بود که همانگونه که گذشت پس از ریزش بخش فوقانی منار، تاج منار و کتیبه مذکور بکلی از میان رفته است.

و بر مناره جنوبی آیه الله الذی رفع السموات بغیر عمد ترونها... نقش بسته بود که از آن هم تنها همین قسمت از آغاز آیه بر جای مانده و در پایان کتیبه تاریخ ۸۳۰ ه.ق به این شرح دیده می‌شود. "فی... سنه ثلاثین ثمانمائه" (تصاویر ۱۰ الی ۱۲)

دکتر طباطبایی نخستین کسی است که با دقت و باریک اندیشی خود موفق به خواندن کتیبه مذکور شد لذا ایشان به استناد همین کتیبه تاریخ احداث مناره‌ها را ۸۳۰ ه.ق (قرن نهم) می‌داند. (۲۲)

## تاریخ بنا

اگر تاریخ ۸۳۰ هجری قمری را سال احداث بنا بدانیم، انهدام مدرسه‌ای بدین عظمت آن هم در شهر مقدسی همچون قم اندکی در پرده ابهام است. به نظر می‌رسد در طی یورشهای انجام شده به قم و تصرف شهر بدست دودمانهای تازه به قدرت رسیده، تغییر کاربری اجباری بر بنا تحمیل شده، که طبیعتاً بر شدت تخریب افزوده است. چنانکه فیض می‌نویسد مدرسه غیاثیه به جهت عظمت ساختمانی در عصر تیموری بارگاه ملوک تیموری گردید. (۲۳) و اشاره تاریخی مشخص‌تر بدین موضوع، سخن قاضی احمد قمی، از نویسندگان معتبر اوایل عصر صفوی است که در ضمن حوادث سال ۹۰۹ ه.ق از تبدیل مدرسه غیاثیه به ضرابخانه و ضرب سکه‌های زربیشکشی حکام مازندران به شاه اسماعیل اول سخن می‌گوید (۲۴) که اگر فرض ساخت مدرسه راهمان ۸۳۰ بدانیم تبدیل آن به ضرابخانه در سال ۹۰۹ ه.ق (در



تصویر ۱۲- پامنار، نمای عمومی پس از اتمام عملیات مرمت

شاهد دیگر ندارد. ویلبر نیز با مقایسه این بنا با سر در مدرسه نظام‌الملک ابرقو<sup>(۲۶)</sup> که از آن هم فقط سر در و مناره‌ها باقی مانده تاریخ بنا را اوایل قرن هشتم و حدود ۷۲۵ هجری قمری می‌داند<sup>(۲۷)</sup> که به نظر هنوز صحیح‌ترین تاریخگذاری است. لیکن مضامین آیات بکار رفته در کتیبه‌های خشتی عصر تیموری هنوز این شبه را دامن می‌زند که کتیبه مذکور می‌تواند الحاقی نباشد و تاریخ احداث بنا را بازگو کند. تحقیقات باستان‌شناختی آتی در اطراف مجموعه امکان پاسخگویی را فراهم خواهد ساخت.

### مأخذ:

- ۱- همچون محله پامنار قم، پامنار تهران، پامنار زواره، پامنار رامشه اصفهان، پامنار سبزوار، پامنار سمنان، پامنار کاشان، پامنار کرمان و...
- ۲- مخلصی، محمد علی، "مناره‌ها" معماری ایران دوره اسلامی، ج ۱، به کوشش محمود یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۴.
- ۳- واندنبرگ، لویی، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه دکتر عیسی

- بهنام، تهران، ص ۲۷.
- ۴- مخلصی، همان، ص ۲۷۷.
- ۵- سعیدنیا، احمد، قم خواستگاه شهر، شهرهای ایران، ج ۲، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۲.
- ۶- همان، ص ۱۶۲.
- ۷- بار تولد، و "تذکره جغرافیای تاریخی ایران" ترجمه حمزه سردار داو، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۸، ص ۹۳.
- ۸- فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج ۲، مهر استوار، قم، ۱۳۵۰، ص ۲۱۷.
- ۹- مخلصی، همان ص ۲۷۷.
- ۱۰- فیض، همان، ص ۲۱۸.
- ۱۱- سید احمد هاتف اصفهانی شاعر قرن دوازدهم هجری قمری. (ف ۱۱۹۸ هـ) وی شاعر دوره افشاریان و زندیان است، خاندان او از قصبه اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف در اصفهان متولد و در آنجا و در قم و کاشان زندگی کرد و فاتش در قم مقارن تشکیل حکومت قاجاریه است. (ر.ک. فرهنگ مهین).
- ۱۲- مدرسی طباطبایی، حسین، تربت پاکان، ج ۲، مهر قم، ۱۳۵۴، ص ۱۵۰.
- ۱۳- همان، ص ۱۴۹.
- ۱۴- همان، ص ۱۵۰.
- ۱۵- فیض، همان، ص ۲۵۸.
- ۱۶- دیولافوا، مادام ژان، ایران، کلبه، شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی، ج چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۹۶.
- ۱۷- ویلبر، دونالدن، معماری اسلامی ایران در عصر ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، ج دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۹.
- ۱۸- عنوانی که احتمالاً در طی دو سه سده اخیر اطراف مدرسه مصداق آن شد چرا که با توجه به قدمت موقعیت تک منار میدان کهنه در جوار این بنا مقصود از پامنار بصورت مشخص محله اطراف منار مذکور بود لیکن با توجه به عظمت مدرسه احداثی و چشم انداز مطلوب‌تر آن در قرون بعد بتدریج مفهوم پامنار از تک منار میدان به مناره‌های زوجی سر در مدرسه غیاثیه منتقل گردید.
- ۱۹- فیض، همان، ص ۲۲۸.
- ۲۰- همان، ص ۲۲۶.
- ۲۱- مدرسی طباطبایی، همان، ص ۱۲۹.
- ۲۲- همان، ص ۱۲۸.
- ۲۳- فیض، همان، ص ۲۳۱.
- ۲۴- فقیهی علی اصغر، "قم در مسیر تاریخ"، نامه قم، ص ۷ و ۸ پائیز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۷۲.
- ۲۵- فیض، همان، ص ۲۳۱.
- ۲۶- اغلب افراد تصور می‌کند این بنا مربوط به نظام‌الملک وزیر مشهور عصر سلجوقی است ولی نظام‌الملک ابرقوهی مراد است که در قرن هشتم می‌زیست و پسرش اسماعیل بن نظام‌الملک ازادبا و دانشمندان